

## گناه:

# یک شرک کشنده و خطرناک!

امروز، بشر برای‌دهالی از چنگال بیماریها، بفعالینها و کاوشهای علمی حیرت انگیزی دست زده است، و از این جهت بسیاری از بیماریها که در گذشته قربانیهای فراوانی داشته است، امروز در مقابل علم، سخت شکست خورده و ناتوان شده‌اند!

در عین حال هیچ عصری هم به اندازه عصر ما بیمار نداشته است. اینهم یکی دیگر از امتیازات عصر ما است که بیماریها، مخصوصاً بیماریهای روان‌تنی مرتب شدت و فزونی یافته‌اند. اینها بیماریهایی هستند که جسم را می‌آزارند، اما منشاء روانی دارند.

بشر برای علاج این بیماریها هنوز قدم اساسی برنداشته و کار چشمگیر انجام نداده است. چه باید کرد؟ قرن بیستم با همه جلال و شکوهش، در برابر این بیماری.

های مهلك عاجز و زیبون است! پیامبران و فرستادگان خدا قرن‌هاست که با موفقیت کم نظیر و چشم‌گیری انسانها را در برابر این امراض واکسینه کرده‌اند. پیروان مکتب انبیاء در خطر این امراض نیستند. مبتلایان نیز با پیروی از دستورات آنها به آسانی قابل درمان می‌باشند.

بیچاره مردمی که از تعالیم این مکتب جاودانی دور مانده و بیماریهای روانی در اعماق وجودشان پنجه افکنده است. چه بسیارند مردمی که دنیا را برای خود جولانگاهی می‌دانند که در آن آزادانه، تاخت و تاز کنند و هر چه دلشان میخواهد انجام دهند. غافل از اینکه: گناهان، در روح انسان آثار شومی می‌گذارند و وجدان را سخت خسته و آزردمی‌سازند. چه صرها، خوشی‌ها، لذتها و دیگر مزایای زندگی، که در سه چالهای گناه فرورفتنونا بود شده‌اند! چه جوانیها و نیروها

که فدای يك هوس خام و يك گناه زودگذر گردیده اند ! افسوس که بشر با همه شکست‌هایی که در این راه خورده است ؛ هنوز هم بیدار نشده و خود را از کام خطر بیرون نکشیده است !  
**نظر ادیان آسمانی :**

نظر ادیان آسمانی این است که گناه می‌تواند ، همچون يك شرک کشنده و خطرناک ، در وجود انسان اثر بگذارد . خاطره شوم گناه ، که در اعماق ضمیر ناخود آگاه انسان نهفته است ، به آسانی محو نمی‌شود . این خاطره پلید ، در آن منطقه ، ریشه می‌دواند و تدریجاً شاخ و برگش فضای روح را فرا می‌گیرد و سایه شوم خود را بر تمام مناطق روان می‌گستراند و حوض فساد و تباهی میوه‌ای بیار نمی‌آورد !  
 امام صادق (ع) فرمود :

**سازشست ، سر بعترا ز فرورفتن کارد در گوشت در صاحب خود اثر می‌گذارد» (۱)**

و فرمود : « آنهایی که بر اثر گناه ، گرفتار مرگ می‌شوند ، بیشتر از کسانی هستند که بطور طبیعی جان می‌سپارند و کسانی که در پرتو کار نیک ، دارای عمر طولانی می‌شوند ، بیشتر از کسانی هستند که با عمر طبیعی زندگی می‌کنند» (۲)

«رنان» می‌گفت : «مادر سایه يك سایه زندگی می‌کنیم . اما مردم پس از مادر چه زندگی خواهند کرد ؟ اگر دنباله این نور مختصر از میان برود ، آنها چگونه بر شهوات و دواعی و محرکات درونی و دزدی و قتل ، مسلط خواهند شد ؟» (۳)

ادیان الهی به انسان درس می‌دهند و شاگردان مکتب دین می‌توانند از این درس شفا بخش بهره‌مند گردند .

از نظر طبیعت روحی و الهی یعنی پیامبران ، انسان برای برطرف کردن آثار شوم گناه باید هر چه زودتر از کردار زشت خود نادم شود و تصمیم بگیرد که هرگز بتکرار گناه اقدام نکند و حتی در صورت امکان ، در صدد تلافی و تحصیل رضایت کس یا کسانی که به آنها تعدی و تجاوز شده است ، برآید و در این صورت بخاطر داشته باشد که : عفو خداوند بزرگ است و از پیشگاه با عظمت خدا بطلب عفو و بخشش نماید .

اگر انسان ، چنین دستوری را به مرحله اجرا درآورد ، طوری جراحات روحیش التیام می

۱- ان العمل السیء اسرع فی صاحبه من السکین فی اللحم ( سفینه البحار ص ۴۸۸ )

۲- من يموت بالذنوب اکثر ممن يموت بالاجال ومن يعیش بالاحسان اکثر ممن يعیش

بالاعمال ( سفینه ص ۴۸۸ )

۳- لذات فلسفه ۴۸۷

پذیرد که هیچگونه اثری از آن باقی نمی ماند .

مناسفانه اکثر مردم ، از عمل کردن این نسخه کم خرج و پرائر خودداری می کنند !

دکتر « نورمن وینست هیل » می نویسد :

روزی یکی از حقوقدانان برجسته ، درباره مشکلاتی که در شغل پر مسؤولیت خود با آن مواجه بود ، بامن سخن گفت .

می دانیم که بزرگترین نعمت زندگی و امتیازی که نصیب افراد میشود ، همان تمرکز

فکر ، خونسردی و خواب راحت است . اینها شرط اول موفقیت و سلامت جسم و جانند .

ولی حقوقدان بیچاره از هر سه محروم بود . دیگر در شغل خود کلافه شده ، با همه معلومات

و تجاربی که داشت : روزنه امیدی برای خود پیدانمیکرد ! فکرمی کنید او با این همه ناراحتی

چمی توانست بکند؟!

گفتم : سؤالی که از تو می کنم صادقانه جواب بده! :

آیا در زندگی شخصی تو حوادثی روی داده است که اگر روزی گزارش

آن را با خطی درشت ، تیترو روزنامه ها قرار دهند ، موجب وحشت و اضطراب

تو گردد؟!

خیره خیره بمن نگاه کرد و گفت :

- ممکن است وجود داشته باشد، ولی مسلم است که هر انسانی در گنجینه

حاطرات خود ، مطالب و حقایقی نهفته دارد که افشاش شدن آنها نگران می -

گردد! اینطور نیست؟!

گفتم :

- اگر آدم باهوشی باشد ، نه ، تا وقتی که شما این اسرار را مخفی کنید و در سد چاره

جویی بر نیابید ، محال است که بتوانید ، آرامش ازدست رفته را بدست آورید . آری؛ شما با

این روش گویا تصمیم گرفته اید که باسم « احساس گناه ، انتحار کنید و خویشتن را بادست

خود تسلیم این جلاد بیرحم سازید !

سرانجام معلوم شد که او فرزند ارشد پدر خود بود ، پدرش در وقت مرگ او را وصی قانونی

خود گردانیده است . بر طبق وصیت پدر ، او موظف بوده است که ترکه وی را میان بازماندگان

بطور عادلانه تقسیم کند . اما وی خواهران و برادران خود را اغفال و حقوق آنها را پایمال

کرده ، همه اموال پدر را خود بچیپ زده بود .

بدیهی است که بنا بر ضرب المثل معروف : « چودزدی با چراغ آید گزیده تر برد

کالا » او حقوقدان بوده و از زیر و پها و کلاه های قانونی بخوبی اطلاع داشته است . برای

رسیدن به هدف نامشروع خودچنان تردستی و هوشیاری کرده بود که سایر ورثه سرشان بی کلاه ماندند و دستشان از همه جا کوتاه شده بود. این است نتیجه علمی که با ایمان همراه نباشد در عین حال اونا گزیر بوده است که: با دلایلی وجدان خود را برای اینکار راضی و قانع گرداند. در درجه اول: برای این خیانت چندان اهمیتی قائل نشده و درجه دوم فکر کرده بود آنها با اندازه کافی پول و ثروت دارند و محتاج ترکه پدربنیستند، ولی این دلایل پوچ و سفسطه آمیز، وجدان او را راضی نساخته و «احساس گناه» در اعماق روانش ریشه دو اندیده بود.

او هنگامی توانست وجدان خود را آسوده سازد و «احساس گناه» را از خانه دل براندازد که در صد جبران حقوق خواهران و برادران برآمده، آنها را راضی کرد، از آن پس زندگی آرام و بانشاطی نمیشد و از آن وضع آشفته‌رهایی پیدا کرد» (۱)

«هانری بازوگ» می‌گوید: گناه برای اجتماع، خطر بزرگ دارد احساس گناه کاری و واکنش‌های ترسناک بی‌گناهی را که منتهی بواژگون کردن بنیاد اجتماع می‌گردند، می‌تواند بوجود آورد. با دقتی بیشتر دانسته میشود که: این واکنش‌های بی‌گناهی، شخص را، به اتهام دیگران رهبری می‌کند. کسانی که مورد اتهام قرار می‌گیرند، به نوبه خود، بدفاع بر می‌خیزند و بدین طریق سیلی از هجوم و واکنش‌های دفاع بپیمان می‌آید که چنانکه شاهدهایی زنده از آن دیده‌ایم، می‌تواند اخلاق مردم کشوری را تباه و خود آن کشور را ویران کند. به همین جهت اخلاق‌های خشن؛ بسیار خطرناکند و اخلاق خشن هم صریحاً همان اخلاق اجتماع است که به وجدان اخلاقی توجهی ندارد و میخواهد نظم عمومی را با ترس و کیفرهای تکدیبری مستقر کند.

... برعکس هنگامی که دست‌توسل بدامان وجدان اخلاقی زنند و هنگامی که گناهکار بگناه خویش اقرار کرده و حاضر به جبران آن است (۲)، امید به رحم و آمرزش، احساس گناهکاری را فرو می‌نشاند و دروی آرامش و آسایشی پدید می‌آورد که به یاری آن می‌تواند آبرومندانانه از زیر ننگ گناه سرآورد و گذشته را از یاد میبرد» (۳)

۱ - مجله ریدرز شماره ۵۷۹

۲ - از نظر آئین مقدس اسلام، اقرار بگناه تنها در پیشگاه پروردگار متعال لازم است که هم روح را آرامش می‌بخشد و هم موجب آمرزش گناه میگردد. اقرار به گناه پیش کشیش و سایر مردم، جز ترویج فساد و اشاعه فحشاء و رونق بخشیدن به بازار گناه بخشی و خرید و فروش بهشت اثر دیگری ندارد.

۳ - چه میدانم؟ بیماریهای روحی و عصبی ص ۶۶